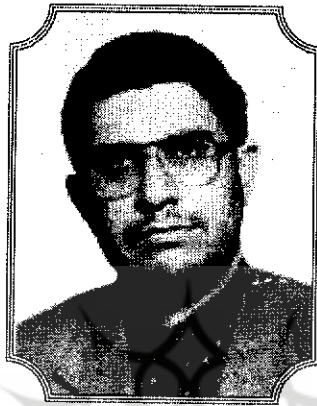


# بررسی چالش‌ها و راهکارهای اساسی برای وصول به توسعه قضایی در قوه قضائیه ایران

دکتر محمود براتی نیا  
معاون دفتر تحقیقات و پژوهش‌های قضایی قوه قضائیه



## پیشگفتار:

دفتر برنامه عمران و توسعه (Programme United Development) از دفاتر وابسته به سازمان ملل متحد است که تاکنون در چندین کشور جهان از جمله ویتنام، لائوس، سیرالئون و... با ارائه پروژه‌ها و طرح‌هایی در زمینه توسعه مدیریت علمی قوای مختلف تقنینی، اجرایی و قضایی نقش برجسته و قابل اهمیتی داشته است.

این دفتر در سال جاری جمهوری اسلامی ایران را نیز برای اجرای طرح‌های توسعه در قوای سه‌گانه کاندید کرده است. در همین راستا در سه ماهه آخر امسال همایش‌های منظمی در روزهای شنبه و چهارشنبه هر هفته در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برپا می‌شود.

همچنین به منظور ارتقای ظرفیت کمی و کیفی نظام قضایی مقرر گردیده که دفتر تحقیقات و پژوهش‌ها در حوزه معاونت آموزش و تحقیقات تمهیدات و مقدماتی را فراهم آورد. در این باره، طی جلسات متعدد و بحث و بررسی در خصوص راهکارهای عملی، مصوب گردید قبل از اجرای پروژه، پیش‌نویس

سند همکاری تهیه و سپس به زبان انگلیسی برگردانده شود.

امید است محتویات آن به‌ویژه پیشنهادهای ارائه شده، گره‌گشای معضلات موجود و راه عرضه بهتر خدمات قضایی و نیز مورد استفاده در برنامه‌ریزی‌های آموزشی قرار گیرد. مزید امتنان خواهد بود چنان که همکاران محترم با ارائه نظرات و پیشنهادها خود ما را در بهینه‌ساختن اقدامات بعدی یاری فرمایند.

## مقدمه:

توسعه تحولی است پویا و حرکتی دینامیک که با اتکالی به آن ظرفیت‌های موجود می‌تواند در راستای وضعیت مطلوب ارتقا یابد. از دیدگاه دیگر «توسعه قضایی» به حوزه‌ای اطلاق می‌گردد که زمینه‌های گسترش حقوق و تکالیف انسانی را با ابتناء بر مبانی فقهی اسلام و شناخت از مقتضیات زمان فراهم می‌آورد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از پیش زمینه‌های نظری و تئوریک، اصولی مقرر گردیده که بر مبنای آن بسترهای مناسب تحقق «عدالت اجتماعی» و

«امنیت» در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فراهم می‌شود و موجبات تعالی و شکوفایی استعداد‌های مادی و معنوی همه آحاد جامعه به‌عنوان حقوق‌همگانی ممکن می‌گردد. بنابراین نظامی قضایی کشور ایران به‌عنوان یکی از معیارهای سنجش توسعه یافتگی محسوب می‌شود.

بررسی اجمالی تحولات گذشته و شناخت شرایط موجود می‌تواند تصویر روشنی به اهل اندیشه و نظر ارائه کند تا فرا راه آینده قوه قضائیه در تحقق اهداف مندرج در قانون اساسی باشد.

در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه به‌عنوان قوه‌ای مستقل شناخته شده که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی مردم است و «تأمین عدالت» و ایجاد «امنیت قضایی» را از طرق ذیل برعهده دارد:

الف) رسیدگی و صدور احکام و فصل خصومت،

ب) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع،

ج) نظارت بر حسن اجرای قوانین،

د) کشف جرم، تعقیب، مجازات مجرمین

داخلی ایران به حقوق خصوصی (حقوق مدنی، تجارت و خانواده) و حقوق عمومی (حقوق اساسی، اداری و جزا) تقسیم می‌شود.

در زمینه حقوق مدنی و خانواده به لحاظ این که این قوانین تا حد زیادی منطبق بر فقه اسلامی است مشکلات کم‌تری به چشم می‌خورد، لکن در حقوق تجارت، رژیم حقوقی ایران از قانونی تبعیت می‌کند که حدود چندین دهه از تاریخ تصویب آن می‌گذرد، در حالی که به دنبال تحولاتی که بخشی از آن حاصل شرایط جهانی شدن، اقتصاد است، وضعیت نوینی پدید آمده که ضرورت بازنگری جدی را در حقوق تجارت اقتضا می‌کند. در واقع بر خلاف موضوعات مربوط به حقوق مدنی که از قوام و ثبات بیشتری برخوردارند، معاملات تجارتي باید از چنان سرعتی برخوردار باشند که بتوانند نیازهای امروزی تجار و بازرگانان و منافع عمومی را نیز تضمین کنند.

از طرف دیگر عصر حاضر به عنوان عصر «انفجار اطلاعات» و «انقلاب کامپیوتر» لقب گرفته که در آن کلیه روابط اجتماعی، از جمله تجارت و داد و ستد منقلب شده و اقتضا دارد که همه دستگاه‌های اداری، به‌ویژه دستگاه قضایی، «اصل سرعت» را در معاملات بازرگانی رعایت کنند. در این خصوص اگر تاجری از طریق اینترنت ظرف یک روز برای کالای خود مشتری بیابد و یا بخواهد مشتری کالایی در هر گوشه دنیا شود چگونه خواهد توانست در هنگام بروز تهدید به منافع خود و بروز خسارت و در فرض مراجعه به محاکم عمومی چه در مقام خواهان و چه خوانده از آثار سوء اطاله دادرسی مصون باشد. از همین رو تشکیل محاکم تخصصی که صرفاً به دعوی تجاری بپردازند از ضرورت‌های انکارناپذیر نظام قضایی ایران تلقی می‌شود.

در زمینه حقوق اساسی و حقوق اداری نیز گرچه چالش‌هایی وجود دارد، لکن نظر به این که شالوده حقوق جزا در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از سیستم‌های حقوقی کشورهای غربی اقتباس شده، توجه

## قانونگذار قانون اساسی قضات را از مصونیت قضایی برخوردار کرده (اصل ۱۶۴) تا آنان را در تحقق مهم‌ترین وظیفه خود که همانا «تأمین عدالت» است یاری کند. این امر وثیقه‌ای قابل اتکا برای صحت دادرسی است و تحقق «امنیت قضایی» را به دنبال

دارد

شناخته نشده است، بلکه اصلاح مجرمین نیز که از به‌کارگیری شیوه‌های غیر جزایی محقق می‌شود، از دیگر اهداف و وظایف قوه قضاییه است که نگاهی درست و دقیق به این گونه قربانیان و آسیب‌دیدگان اجتماعی دارد تا آنان را به کانون اولیه خانواده و اجتماع خود بازگرداند.

لذا ضرورت جذب حقوقدانان و بهره‌گیری از تجارب قضات با تجربه بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. بدیهی است با تشکیل گروه‌های کارشناسی آنان می‌توانند با مطالعه تطبیقی و بررسی سایر نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی دنیا این قوه را در آسیب‌شناسی قضایی یاری کرده، و نقش سازنده‌ای را در «ظرفیت سازی مثبت» ایفاء کنند.

### ۱- آسیب‌شناسی نظامی قضایی:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، تلاش بسیاری برای تطبیق نظام قضایی با مبانی فقهی دین اسلام (اصل ۴ قانون اساسی) صورت پذیرفته که بررسی چگونگی این انطباق با مقتضیات زمان می‌تواند یکی از مسائل اساسی نظامی قضایی کشور باشد. در همین باره باید متذکر شد که حقوق

بر اساس نظام جزایی اسلام، ( اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان.

باتوجه به بندهای فوق چنین استنباط می‌شود که قوه قضاییه مرجعی است که با صدور احکام گوناگون در زمینه‌های مدنی، حقوقی و جزایی همواره در صدد احیای حقوق مردم و رفع ناهنجاری‌های مختلف است. در این خصوص به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد تلقی گردیده و همه مردم می‌توانند به‌طور مساوی از خدمات قضایی بهره‌مند گردند.

قانونگذار قانون اساسی قضات را از مصونیت قضایی برخوردار کرده (اصل ۱۶۴) تا آنان را در تحقق مهم‌ترین وظیفه خود که همانا «تأمین عدالت» است یاری کند. این امر وثیقه‌ای قابل اتکا برای صحت دادرسی است و تحقق «امنیت قضایی» را به دنبال دارد و اجرای قوانینی را که به منظور الزام شهروندان به تعهدات حقوقی و قراردادی از یک طرف و رعایت نظم عمومی از طرف دیگر وضع گردیده، تضمین می‌کند.

بنابراین اگر التزامات مذکور به نحوی مورد تعدی و تفریط قرار گیرد، دستگاه قضایی با اقتداری خاص رضایت خاطر متضرر از فعل دیگران (اعم از حقوقی و کیفری) را فراهم کرده روابط سازنده‌ای را در زندگی روزمره جامعه حاکم می‌سازد. به‌علاوه، زمینه‌های برخورد قاطع با متجاوزین به حقوق عمومی، امنیت و آزادی شهروندان را پاسداری کرده، موجبات پرورش استعدادهای نهفته انسانی را در پناه و حمایت قانون فراهم می‌آورد.

علاوه بر کشف جرم و تعقیب و مجازات مرتکبین جرم، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از محورهای قابل توجه است که لازمه آن بررسی علل و عوامل تحقق جرم است که در سایه مطالعات علمی و انجام تحقیقات و پژوهش‌های گوناگون به دست خواهد آمد. نکته قابل اشاره این که در این خصوص اعمال مجازات تنها راه برخورد

قانونگذاران به این زمینه بیشتر معطوف بوده است.

در این باره و در اعمال مجازات‌های شرعی کاملاً به کیفرهای شرعی توجه شده و در طبقه بندی مجازات‌ها، جرائم براساس الف (حدود، ب) قصاص، ج) دیات - و د) تعزیرات تقسیم گردیده‌اند.

همچنین ضمن حذف بعضی از عناوین جزایی، عناوین جدیدی به حقوق جزا اضافه گردیده است. البته باید گوشزد شود که به لحاظ شرایط خاصی که از لحاظ اجتماعی، سیاسی و به ویژه اقتصادی در دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی پدید آمده، صرفاً سرفصل‌های عناوین جزایی در حال حاضر در حدود ۲۸ (۱) مورد است که نشان از نوعی «تورم کیفری» در این حوزه دارد.

علاوه بر قوانین ماهوی، در حوزه آیین دادرسی (امور مدنی و کیفری)، مدل‌های متفاوتی به قصد انطباق شرایط و نحوه دادرسی با نظام اسلامی ارائه گردیده که نه فقط اهداف موصوف محقق نگردیده، بلکه نظام دادرسی را با چنان پیچیدگی و ابهاماتی روبه‌رو کرده که برای ارائه راهکارهای لازم مطالعات وسیع و گسترده‌ای لازم است.

به طور مثال در بدو تغییر در سیستم قضایی کشور که به لحاظ شرط اجتهاد و وحدت قاضی، بر یک مرحله‌ای بودن و قطعیت احکام پافشاری می‌شد و اکنون با توجه به عدم کفایت قضات جامع‌الشرایط و بهره‌گیری از قضات مآذون، مراحل دادرسی آن چنان دچار سیستم چند مرحله‌ای گردیده که به نظر بعضی از حقوقدانان اصل «اعتبار امر مختوم» دچار تزلزل گردیده است.

در همین فرایند، نظر به تأکید بر ارزش اقرار، شهادت شهود در نزد قاضی محکمه و نیز تسریع در رسیدگی به دعاوی، نهاد دادسرا حذف گردیده و کلیه وظایف دادستان و بازپرس و دادیاران به قضات محاکم تحمیل شده است. با توجه به همزمانی وقت رسیدگی پرونده‌های در نوبت با پرونده‌های ارجاعی از

پاسگاه‌ها این امر نه فقط موجب سرعت در روند دادرسی نگردیده و مراجعه مستقیم به قاضی را مشکل و بعضاً غیر ممکن ساخته، بلکه نیروی انتظامی را جانشین دادسرا کرده و جریان شکل‌گیری و تکوین پرونده‌ها را با مشکلات عدیده مواجه ساخته است.

در شرایط فعلی، حاصل وضعیت موصوف، بروز تفکرات نوین در دهه سوم انقلاب است و تجدیدنظرهایی را تحت عنوان «توسعه قضایی» به دنبال داشته است که از جمله آن‌ها ضرورت اعاده دادسرا، تقویت و توسعه دادگاه‌های تخصصی (نه اختصاصی) و درجه بندی آن‌ها، احیای پلیس قضایی، کشف علمی جرم و نیز گرایش به سمت مجازات‌های جایگزین زندان و... را می‌توان نام برد.

در پایان لازم است اشاره شود آمار ارائه شده در دو دهه گذشته، روند و سرعت تغییرات در مقررات کلی و جزئی نظام قضایی را نشان می‌دهد که فی نفسه باعث ایجاد بالاترین کفایت قضات و تزلزل در تصمیم‌گیری گردیده است. بنابراین چنانچه در آهنگ جدید و ایجاد تحولات نوین، رعایت نکات کارشناسانه

### نظر به تأکید بر ارزش

اقرار، شهادت شهود در نزد

قاضی محکمه و نیز تسریع

در رسیدگی به دعاوی، نهاد

دادسرا حذف گردیده و کلیه

وظایف دادستان و بازپرس و

دادیاران به قضات محاکم

تحمیل شده است.

نشود، چه بسا آفت اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های بعدی به مانند گذشته مانع از نهادینه شدن قوانین جدید و مانع تبدیل آن‌ها به یک هنجار فرهنگی شده، نتیجتاً موجب بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد گردید.

### ۲- اولویت بندی موضوعات و مسائل قابل مطالعه:

متأسفانه باید اذعان کرد علی‌رغم تضمیناتی که برای تأمین حقوق شهروندان حاصل گردیده، ارائه خدمات قضایی به شیوه‌ای نیست که رضایت خاطر عموم را جلب کند. البته چنان که ذکر گردید آنچه در تحولات جدید نظام قضایی باید لحاظ شود، فضا سازی به منظور تحقق «سرعت» و «دقت» در دادرسی است، به طوری که هیچ‌کدام فدای دیگری نشود، لکن باید توجه داشت که در روابط پیچیده جوامع امروزی، وقوع بسیاری از اتفاقات به ویژه جرائم نمی‌تواند ناشی از یک عامل باشد. بنابراین در اعمال راهکارها باید با مراجعه به عقل جمعی هر یک از عوامل سبب‌ساز، موضوع تحت مطالعه کارشناسان مختلف قرار گیرد. از جمله این عوامل این است که در حال حاضر هیچ‌گونه تعادلی بین حجم مراجعات مردم و قدرت خدمات‌دهی دادگستری وجود ندارد. این عدم تعادل نتیجه عواملی است که به شرح ذیل در دو بخش بدان‌ها خواهیم پرداخت:

### الف: علل برونی عدم تعادل در خدمات قضایی

در بررسی این عوامل اسباب و عللی وجود دارند که ذاتاً مربوط به خارج از سیستم قضایی‌اند؛ اما شناخت آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در برقراری «موازنه مطلوب» داشته باشد. در واقع، طرح بسیاری از دعاوی عمدتاً یا به لحاظ عدم اطلاعات حقوقی و فقدان آشنایی مردم با حقوق شهروندی است و لذا ریشه‌های فرهنگی دارد و یا زمینه‌های اجتماعی از قبیل بیکاری و مهاجرت از روستاها و رشد بی‌رویه جمعیت شهرها و نتیجتاً تلاقی خرده فرهنگ‌ها موجب بروز

ناهنجاری‌های مختلف از قبیل شرارت و نزاع، ضرب و جرح، قتل و جرائم مربوط به قاچاق ارز، کالا و مواد مخدر می‌گردد. همچنین دلایل اقتصادی باعث نقض تعهدات حقوقی، خانوادگی و نیز جرائمی از قبیل سرقت، خیانت در امانت، اختلاس و ارتشا، گرانفروشی و احتکار و غیره می‌شود.

طبیعی است که در اعمال روش‌های پیشگیرانه، اقدامات باید متناسب با ریشه‌های آن باشند و سعی شود با خشکاندن ریشه پدیده‌هایی مانند فقر فرهنگی و اقتصادی، کم کردن فاصله‌های طبقاتی، تممیم سرویس دهی و ارائه خدمات رفاهی به سایر نقاط کشور به گونه‌ای عمل شود که در یک برنامه‌ریزی درازمدت، آرمان‌های قانون اساسی محقق گردد.

به‌علاوه تقویت دوایر مشاوره و معاضدت قضایی، گسترش فرهنگ استفاده از وکیل و مشاوران حقوقی و تأسیس و تقویت دوایر مددکاری اجتماعی در پاسگاه‌ها و مراجع نیروی انتظامی و نیز حمایت از ایجاد پلیس محله و شوراهای حل اختلاف مردمی (۲) نکاتی که باید مورد توجه واقع شود.

همچنین در اعمال مجازات‌ها باید تلاش شود تا با انتخاب راهکارهای تربیتی و تنبیهی به جای زندان از تبدیل محکومینی که تحت تأثیر فشار عوامل فوق اقدامات مجرمانه را مرتکب می‌شوند به مجرمین حرفه‌ای جلوگیری شود. بدون تردید چنین روش‌هایی به تقویت هنجارهای اجتماعی انجامیده، از تحمیل آثار و عواقب مسائلی که فاقد ریشه قضایی است به محاکم و دادگاه‌ها خواهد کاست.

از جمله مشکلات بیرونی دیگری که موجب اطلاع دادرسی و نتیجتاً تقلیل توان دادگستری در ارائه خدمات قضایی می‌شود، عدم ارسال به موقع استعلامات به عمل آمده از مراجع مختلف اداری مانند دوایر ثبت، بانک‌ها و شهرداری‌ها و سایر نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی است، که باید مستقلاً و به صورت

آمار ارائه شده در دو دهه

گذشته، روند و سرعت

تغییرات در مقررات کلی و

جزئی نظام قضایی را نشان

می‌دهد که فی نفسه باعث

ایجاد بلا تکلیفی قضات و

تزلزل در تصمیم‌گیری گردیده

است

جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد.

**ب: راهکارهای درونی برقراری تعادل در خدمات قضایی**

اولین عنصری که به تأمین و احیای حقوق عامه کمک خواهد کرد، تهیه و تدوین قوانینی است که متناسب با نیازهای روز جامعه بوده، امکان دسترسی به عدالت را میسر سازند. لکن موضوع قابل توجه این است که در روند قانونگذاری، نقش قوه قضاییه در پیشنهاد لوایح قضایی باید به شیوه‌ای باشد که ضمن تنقیح قوانین گذشته، از افزودن به مشکلاتی که تاکنون موجب کاهش تسلط قضات گردیده جلوگیری کند.

به‌علاوه، قوانین با ثبات و غیرمتعارض و سیستم اداری کارآمد نیز از جمله عواملی هستند که در ارائه خدمات شایسته قضایی از ابزار مهم تلقی می‌شوند. در واقع وجود کارکنان آموزش دیده و وسایل لازم از قبیل ساختمان‌های مجهز به سیستم رایانه (۳) می‌تواند نقش مهمی در انجام دستورات دادگاه و تسریع روند دادرسی داشته باشد.

از عناصر دیگری که اهمیت خاصی این است که نظام قضایی باید از چنان اقتداری

برخوردار باشد که اولاً هیچ کس نتواند در مراحل و جریان دادرسی نفوذ کند و ثانیاً هیچ مقامی حق نداشته باشد از اجرای فرامین و دستورات مراجع قضایی خودداری ورزد. در این خصوص ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) مقرر می‌دارد: «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

البته در شرایط فعلی شأن و موقعیت معنوی قضات به گونه‌ای نیست که با وجود ضمانت اجرای فوق بتوانند آن چنان که شایسته یک نظام اسلامی است، عمل کنند. بدون تردید در بررسی علل ریشه‌ای باید به نیازهای مادی برای تقویت شأن قضات توجه شود، لکن یکی از علل این امر استخدام تعدادی از قضاتی است که از درجه علمی بالایی برخوردار نیستند که باید از طریق ایجاد و تداوم دوره‌های مطالعاتی ضمن خدمت به رفع این معضل پرداخت.

در مجموع می‌توان گفت در رسیدگی به پرونده‌ها، قضات زمانی موفق می‌شوند که با دقت و سرعت عمل کنند و لازمه چنین امری وجود ابزاری مانند قوانین شفاف و صریح و نسبتاً ثابت، نیروی انسانی کارآمد و فقدان هرگونه دغدغه فکری است.

**۳- ترسیم اهداف اساسی پروژه UNDP (دفتر عمران و توسعه سازمان ملل متحد)**  
بدیهی است ارتقای ظرفیت‌های نظام قضایی ایران در راستای سیاست‌های «توسعه قضایی» را می‌توان یکی از اهداف مهم پروژه UNDP تلقی کرد. در این نوشتار کوتاه به صورت اختصار به شرح مبانی نظری و آرمان‌های اصلی، تشکیلات و آسیب‌شناسی

مقاله‌های علمی و تحلیلی در شاخه‌های مختلف حقوق از طریق مجلات مکتوب، ارتقای دانش رایانه‌ای و استفاده از فناوری نوین در جهت تقویت توانایی‌ها و مهارت‌های شغلی آنان، اجرای طرح‌های تحقیقاتی کاربردی و عملی ولدی الاقتضا تطبیقی از حقوق سایر کشورها، می‌تواند جزء برنامه‌های میان مدت باشد.

### ج- اهداف بلند مدت:

اجرای طرح‌های مطالعاتی همه جانبه و گسترده در زمینه موضوعات راهبردی و استراتژیک، سرمایه‌گذاری در جهت هماهنگی و تحکیم و تقویت ارتباط دائم بین مراکز تحقیقاتی قوه قضاییه با دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌ها و مراکز علمی به ویژه دانشگاه تهران، شهید بهشتی و دانشکده علوم اداری و قضایی، حمایت از طرح‌های پژوهشی در برخورداری کودکان و نوجوانان از دادرسی ویژه، فراهم کردن پیش زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم از طریق شبکه رایانه‌ای و مساعدت در تهیه و تدوین لوایح قضایی به منظور پیشنهاد به مجلس شورای اسلامی نیز قابل طرح در اهداف بلند مدت می‌باشد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- این عناوین به همراه زیر مجموعه آن‌ها در ۲۷۱ صفحه توسط دفتر تحقیقات و پژوهش‌ها تهیه گردیده و برای دسترسی علاقه‌مند در کتابخانه معاونت آموزش و تحقیقات موجود است.

۲- ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور مقرر می‌دارد: «به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و حذر راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی دارند و باتماهیت قضایی آن از پیچیدگی کم‌تری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد».

۳- در قانون برنامه سوم توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز در بیان علل مشکلات دستگاه قضایی آمده است: الف- ناکافی بودن نظام‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی بخش و روش‌های انجام کار مکتوب و مضبوط برای متدعیان.

ب- عدم به‌کارگیری وسیع و جامع فن‌آوری اطلاعاتی و نظام اطلاع‌رسانی مناسب در مجموع کلیه محاکم و دادگاه‌ها.

نظریه‌های کسارشناسی حقوقدانان و فرهیختگان علوم اجتماعی به ویژه اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، قضات و وکلای دادگستری از اولین گام‌هایی است که باید بدان توجه شود.

در همین راستا، تشکیل گروه‌های کارشناسی و علمی و افراد مجرب را می‌توان از جمله تمهیدات و مقدمات لازم تلقی کرد. به علاوه شناساندن حقوق شهروندی نیز می‌تواند در طرح قالب کوتاه مدت گنجانده شود. لذا جهت احیای حقوق عامه و گسترش عدالت، فرهنگ‌سازی و توسعه دانش حقوقی از طریق رسانه‌های گروهی و جمعی و نیز چاپ و انتشار بروشورها و جزوات آموزشی از جمله ضروریات اولیه است.

### ب- اهداف میان مدت:

کمک به تربیت قضات جدید و ورزیده به تعداد مورد نیاز براساس جمعیت کشور و بالابردن سطح کیفی دوره‌های آموزشی، انجام مطالعات تطبیقی در این دوره‌ها، ارتقای سطح دانش و آگاهی قضات موجود و تسهیل راهیابی آن‌ها به دوره‌های آموزش ضمن خدمت داخلی و نیز در نظر گرفتن فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، تقویت آموزش‌های غیرحضورى شامل، مکاتباتی مستمر، ارائه

در نظام قضایی پرداخته شد. اکنون که شناختی نسبی از دیدگاه‌های دو دهه گذشته و نیز وضعیت ابتدای دهه سوم به دست آمد، لازم است به اهداف اساسی و نیز آنچه در این پروژه مورد نظر است، پرداخته شود.

### محورهای ده‌گانه «توسعه قضایی»

در بررسی رهنمودهایی که در حال حاضر مورد نظر ریاست قوه قضاییه است محورهای ده‌گانه توسعه قضایی به عنوان شاخصه‌های دستگاه قضایی مطلوب ترسیم گردیده که عبارتند از:

- ۱- احقاق حقوق عامه و گسترش عدل،
- ۲- سرعت، دقت، بی‌طرفی، عدالت در فصل خصومت،
- ۳- برخورداری همه اشخاص حقیقی و حقوقی از دسترسی به دادرسی و سهولت آن برای همگان،
- ۴- حفظ و حمایت از حرمت انسانها و برخورداری هر متهمی از حق دفاع،
- ۵- شفافیت و علنی بودن دادرسی،
- ۶- اعتماد سازی و جلب اطمینان مردم و ایجاد زمینه پناه آوردن مردم به دستگاه قضایی،
- ۷- قطعیت احکام و سرعت در اجرای آن،
- ۸- صلاحیت، شایستگی و تاثیرناپذیری کادر قضایی،

۹- اصلاح مجرمین و سالم سازی جامعه از جرم،

۱۰- ایجاد امنیت عمومی، ملی و دینی.

بدیهی است با توجه به این که اجرای طرح باید از پایانی قابل ارزیابی برخوردار باشد و نیز پیشرفت آن به صورت دوره‌ای مورد ارزشیابی قرار گیرد، هر یک از این محورها می‌تواند از موضوعات مورد مطالعه و تحقیق پروژه UNDP قرار گیرد؛ لکن از حیث وصول به آن‌ها ابتدائاً لازم است اهداف قابل پیش‌بینی را به هدف‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به شرح ذیل تقسیم کنیم:

### الف- اهداف کوتاه مدت:

بهرمندی و استفاده از پیشنهادها و

### به دنبال تمولاتی که بخشی

از آن حاصل شرایط «جهانی

شدن» اقتصاد است،

وضعیت نوینی پدید آمده که

ضرورت بازنگری جدی را در

حقوق تجارت اقتضا می‌کند